



7 نوامبر 2013

داکتر سید عبدالله کاظم

کمبودها در شرایط قانونی کاندید شدن به ریاست جمهوری کشور

با ملاحظه ماده شصت و چهارم قانون اساسی کشور واضح میشود که صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور که در عین زمان ریاست قوه اجرائیه را نیز عهده دار میباشد، در چهار چوب یک نظام «ریاستی» تحت 21 فقره بیان گردیده است که اعمال این صلاحیت ها فقط در مورد تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی و در پنج مورد دیگر به تأیید شورای ملی نیاز دارد و در پنج مورد اشاره به «مطابق احکام قانون» صورت گرفته است که آنهم بیشتر وجه شکلی دارد (1). هرگاه این صلاحیت های وسیع و همه جانبه را با اضافه منابع پولی که از کشورهای مختلف بدون حساب و کتاب رسماً به ریاست جمهوری سرازیر و مصرف آن به امر رئیس جمهور اجرا میشود، در نظر گرفت، در آن صورت دیده میشود که حدود صلاحیت های مستقیم (قانونی) و غیر مستقیم (بوسیله تطمیع وابستگان و اعضای شورای ملی و غیره) رئیس جمهور را عملاً در سطح یک «سلطان مطلق العنان» بالا میرود.

اگر از یکطرف با اینچنین دست دراز و صلاحیت «سلطانی» که رئیس جمهور در تعیین سرنوشت کشور و مردم دارد و در واقع هیچ دستی بالای دست او نیست، دیده شود و از طرف دیگر وقتی به شرایط کاندید شدن یک شخص به این مقام عالی و با صلاحیت دقت گردد، آنوقت واضح میشود که این دو حالت در یک بیموازننگی کلی قرار دارند؛ به این معنی که شرایط کاندید شدن به این مقام بزرگ ملی در قانون اساسی کشور بیش از حد باز گذاشته شده است و هریک به سادگی میتواند خود را کاندید ریاست جمهوری کشور سازد و اما در میان آنها فقط صاحبان زر و زور و کسانیکه از حمایت های جانبی برخوردار باشند، بیشترین چانس رسیدن به آن مقام را دارند.

معضله تعدد کاندیدها:

طبق ماده شصت و دوم قانون اساسی شخصی به ریاست جمهوری کاندید میشود که واجد شرایط ذیل باشد:

1- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگر را نداشته باشد؛

2- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛

3- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمیتواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.
حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.»

نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری در دو دوره قبلی به وضاحت نشان میدهد که با استفاده از همین سه شرط یک تعداد زیاد کاندیدها در مسابقه انتخابات اشتراک نموده و در نتیجه انتخابات را به مشکلات چند جانبه مواجه ساختند.

در اولین انتخابات ریاست جمهوری که همزمان با انتخابات پارلمانی و شورای های ولایتی بود، نظر به بعضی مشکلات انتخابات از وقت معینه به مدت چهار ماه به تعویق افتاد و بتاريخ 18 میزان 1383 (19 اکتوبر 2004) یعنی ده ماه بعد از انفاذ قانون اساسی جدید صورت گرفت. در این دوره جمعاً 18 کاندید به شمول آقای کرزی رئیس حکومت انتقالی و یک خانم (داکتر مسعوده جلال) واجد شرایط کاندید شدن ریاست جمهوری شناخته شدند. از آنجمله 15 کاندید با ادعای اینکه کرزی از قدرت دولتی در انتخابات به نفع خود استفاده خواهد کرد و لذا او باید قبل از

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

انتخابات از مقام خود استعفی دهد، باهم متحد شدند و دست به تشکیل یک «شورا ی همکاری نامزدهای ریاست جمهوری» زدند و بعدتر انتخابات را تحریم کردند. در این حال آقای خلیل‌زاد (آنوقت سفیر با قدرت امریکا در کابل) برای ایجاد مشروعیت انتخابات، خانم مسعوده جلال را وادار ساخت تا در برابر کرزی به حیث رقیب انتخاباتی باقی بماند. همان بود که کرزی در دور اول به ریاست جمهور رسید(2).

در دومین انتخابات ریاست جمهوری 19 میزان 1388 (9 اکتوبر 2009) جمعاً 76 نفر اسناد ثبت نام را از دفتر کمیسیون مستقل انتخابات بدست آوردند و اما بعداً 44 کاندید (از جمله 2 خانم) در لست نهائی کاندید ها شامل شدند و در اواخر 32 کاندید باقی ماندند که در راس همه حامد کرزی و داکتر عبدالله عبدالله قرار داشتند. از آنجائیکه نتایج نهائی بررسی آراء با تقلب و تخطی های گسترده کاندیدها توأم بود، لذا هیچ یک از دو کاندید فوق موفق به دریافت بیش از 50 فیصد آراء نشدند و انتخابات بدور دوم بین آن دو رفت که داکتر عبدالله از مبارزه نهائی منصرف شد و کرزی بالاخره به حیث رئیس جمهور برای دور دوم اعلام گردید(3).

مبحث انتخابات ریاست جمهوری در قانون جدید انتخابات:

در اینجا باید تصریح کرد که انتخابات بطور عموم در دو دوره اول به اساس قانونی صورت گرفت که بوسیله فرمان تقنینی مورخ 6 جوزای 1383 (27 می 2004) نافذ گردیده بود و تعدد بیش از حد کاندید ها از هر طرف که با رعایت سه شرط کلی مندرج ماده شصت و دوم قانون اساسی چانس شمول در انتخابات را یافته بودند، مشکلات عدیده را بار آورد، از جمله تقسیم آراء بین کاندیدها، مغشوش شدن رأی دهندگان و مشکل انتخاب از یک لست طولانی کاندیدها، از هم پاشیدگی نظم و اداره انتخابات، ایجاد زمینه های مزید تقلب و تخطی و همچنان گرم شدن بازار خرید و فروش آراء و افواهاات دیگر که به مشروعیت انتخابات صدمه رسانید و مردم را از اشتراک در انتخابات دلسرد ساخت.

روی همین دلایل و همچنان نظر به اهمیتی که انتخابات سال 1393 (2014) ریاست جمهوری در فدرای افغانستان دارد، بخصوص پس از آنکه قوای محاروبی امریکا و متحدین آن در پایان سال 2014 افغانستان را ترک خواهند گشت و نیز اینکه شخصی دیگری باید به مقام ریاست جمهوری انتخاب گردد، موجودیت قانون جدید انتخابات را به حیث که ضرورت مبرم که از قبل احساس می شد، حتمی می ساخت تا آنکه بعد از تانی و تعلل فراوان این قانون به عجله از طرف شورای ملی تصویب و بعد از توشیح به تاریخ 29 سرطان 1392 (20 جولای 2013) نافذ گردید.

قانون جدید انتخابات که بر مبنای آن انتخابات جاری صورت میگیرد، دارای 16 فصل و جمعاً 80 ماده میباشد و امور مربوط به همه نهاد های انتخاباتی مندرج قانون اساسی کشور را احتوا میکند. این قانون در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری (به تاسی از مواد سی و سوم، هشتاد و سوم و یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی) بر علاوه سه شرط مندرج ماده شصت و دوم قانون اساسی که فوقاً ذکر شد، در جوار شرایط عمومی، بعضی شرایط اختصاصی را حین ارائه درخواست برای کاندید شدن به ریاست جمهوری وضع کرده است، چنانکه در ماده چهل و پنجم آن در فقره 2، بند 5 در مورد تهیه لست اسامی، شماره کارت ثبت نام و نشان انگشت رأی دهنده ساکن حوزه انتخاباتی مربوطه که کاندید شدن شخص را در ورق رأی دهی تأیید نماید، آمده است که هریک از کاندیدان ریاست جمهوری اسناد «یکصد هزار رأی دهنده، حداقل از بیست ولایت، هرو لایت دو فیصد» را حین ثبت نام به کمیسیون بسپارد و نیز در بند 6 این فقره ارائه سند استعفا از وظایف دولتی را لازم میداند. فقره 3 ماده چهل و پنجم از هر کاندید ریاست جمهوری میخواهد که اسمای دومعاون خود را که واجد شرایط مندرج این قانون باشند، همزمان با کاندید شدن خود به کمیسیون ارائه نماید. فقره 4، بند 1 ماده مذکور می افزاید که کاندید ریاست جمهوری به تادیبه مبلغ یک ملیون افغانی پول «پیش شرط» مکلف میباشد که در صورت برنده شدن یا کسب حداقل ده فیصد آراء قانونی اجرا شده در دور اول انتخابات به کاندید اعاده میگردد. (البته بر طبق فقره 5 ماده مذکور پول پیش شرط کاندید هائیکه فیصدی آراء قانونی را حاصل نکرده اند، قابل اعاده نبوده و به حساب واردات دولت تحویل میگردد).

تلاشهای غیرقانونی در جهت کاهش تعداد کاندیدها:

وضع شرایط فوق در قانون انتخابات بیشتر به این هدف قید گردیده تا از تعدد بیش از حد کاندید های ریاست جمهوری جلوگیری بعمل آید، چنانیکه به همین مقصد حکومت و وابستگان آن بخصوص زلمی خلیل‌زاد و علی احمد جلالی در طول همین سال جداً کوشیدند تا نخست با مطرح ساختن موضوع «اجماع ملی»(4) و تلاش در جهت ایجاد ائتلاف

د پاپو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ها بین بعضی گروههای سیاسی و شخصیت های شایق کاندید شدن به آن مقام بر مبنای تفاهم قبلی و معاملات سیاسی پشت پرده تعداد کاندید ها را به حداقل تقلیل دهند تا از یکطرف حکومت بعدی از رئیس جمهور و معاونین او و حتی اعضای حکومت به اساس همان توافقات شکل گیرد و قدرت از انحصار آنها بیرون نگرند و از طرف دیگر انتخابات به دور دوم کشانیده نشود. علی احمد جلالی در یک مصاحبه رسمی با تلویزیون طلوع گفت: «از یک سال بدینسو با داکتر خلیزاد در تلاش هستیم که یک تیم انتخاباتی بسازیم و این تیم یک کاندید مشخص معرفی کند و این کاندید از تمامی مردم و اقلشار نمایندگی بکند(!!)». اکنون فصل ائتلافها است و هیچ کس نمیتواند به تنهایی به سوی نامزد شدن برود و به تنهایی نمیتواند رأی مردم را بدست آورد. این تیم ملی انتخاباتی تا یک هفته یا ده روز دیگر نهائی خواهد شد».(5)

طوریکه دیده شد این طراحی ها چه تحت نام «اجماع ملی» و چه ائتلاف های ناهمگون به نتیجه نرسید و برای سومین انتخابات ریاست جمهوری که مراحل مقدماتی آن دو هفته قبل آغاز گردید، جمعاً 27 کاندید ثبت نام کردند. از جمله کاندیدها نخست یک کاندید نسبت کمبود شرایط مندرج قانون جدید انتخابات از لست بیرون شد و متعاقباً کمسیون مستقل انتخابات 16 کاندید احتمالی دیگر را نیز به دلیل عدم اكمال شرایط از لست حذف کرد، بدون آنکه دلیل مشخص را برای هریک بیان دارد(6). اینکار مورد اعتراض و شکایت کاندیدهای حذف شده قرار گرفت که موضوع اکنون جهت بررسی زیر بحث کمسیون مستقل سمع شکایات قرار دارد و تاحال نتایج نهائی آن معلوم نیست. به این اساس فعلاً فقط ده کاندید به حیث کاندیدهای ابتدائی ریاست جمهوری اعلام گردیده که دیده شود بعد از بررسی کمسیون شکایات چانس شمول چند کاندید دیگر چگونه خواهد بود.

بهرحال آنچه تفاوت آشکار بین گروه 16 نفری حذف شده از لست ابتدائی کاندید ها و گروه ده نفری شامل لست مذکور در آنست که در گروه حذفی ها بیشتر شخصیت های شامل اند که خود شان و معاونین شان از جمله اشخاص کمتر صاحب امتیاز و کمتر در حوادث کلی کشور در سالهای گذشته دیدخل بوده اند و در بین شان چند شخصیت با تجربه، پاک و مسلکی دیده میشوند، در حالیکه در گروه کاندید های مندرج لست ابتدائی اکثراً یا خود کاندید و یا معاونین آنها از جمله چهره های اند که بیشتر وابسته به گروه «ارگ» بوده و یا به نحوی در تحولات سه دهه اخیر نقش کلیدی داشته و نیز بعضی از آنها در ویرانی ها و ارتکاب جنایات بشری و جنگی متهم میباشند. (البته به استثنای محمد نادر نعیم و معاونین او که هریک از چهره های جدید و جوان محسوب میشوند).

علاوئاً در بین اکثر کاندید های شامل لست ابتدائی دو وجه مشترک وجود دارند: یکی ترکیب قومی که ماهیت انتخابات را از «ملی» بودن بسوی «قومی» بودن کشانیده است و دیگر جاگزینی «شخص» بجای «برنامه» که هر دو وجه به مقصد جلب و جذب آرای قومی و در نهایت به مقصد موفق شدن در انتخابات و رسیدن به قدرت پیش گرفته شده است. البته به صراحت باید گفته که با این وضع نمیتوان آینده روشن و امیدبخش را برای کشور و مردم توقع کرد. نا گفته نماند که همین حالا یک کمسیون متشکل از «علما و بزرگان قومی!» تحت نظر حضرت صبغت الله مجددی تلاش دارد تا بین کاندید های ابتدائی به اصطلاح «جور آمد» کند و تعداد کاندید ها را به حداقل به گفته حامد کرزی به «دو یا سه و اگر چهار هم باشد، بد نیست!» تقلیل دهد. واضح است که اینکار فقط از طریق معامله گریها صورت گرفته میتواند و بس.

اغماض قانون در مورد سه شرط مهم:

جای شک نیست که تعدد کاندید های ریاست جمهوری طوریکه در بالا اشاره شد، موجب بروز مشکلات عدیده میگردد، اما تقلیل این تعداد از طریق تصمیمگیری ها در سطوح مختلف مقامات بالا تحت عنوان «اجماع ملی» و یا تشکیل ائتلاف های فرمایشی به منظور انحصار قدرت و یا حذف کردن یک تعداد کثیر کاندید ها بدون ارائه دلیل مشخص از لست ابتدائی از طرف کمسیون مستقل انتخابات و یا از طریق شورای علما و بزرگان قومی و امثال آن یک روش غیر دموکراتیک و در تناقض با ماده سی و سوم قانون اساسی قرار دارد. از آنجائیکه هر شخص واجد شرایط ماده شصت و دوم قانون اساسی حق دارد بعد از اكمال شرایط مندرج قانون انتخابات خود را به مقام ریاست جمهوری کاندید کند، لذا کاهش تعداد کاندید ها فقط از طریق قانونی به نحوی صورت گرفته میتواند که در ماده شصت و دوم چند شرط مهم دیگر گنجانیده شود تا از یکطرف فقط اشخاص واجد اوصاف و شرایط لازم برای این مقام عالی حق کاندید کردن را داشته باشند و از طرف دیگر با شفافیت مزید قانونی، دست معامله گران سیاسی و

دلالتان رأی کوتاه گردد. در اینجا می‌خواهم به چند موضوع مهم اشاره کنم که گنجاندن آن در قانون اساسی برای کاندید شدن به ریاست جمهوری اشد ضروری می‌باشد: از جمله تعیین حداقل درجه تحصیل، تجارب لازم در امور اداری کشور و بخصوص سوابق کاری شفاف که ذیلاً مطالبی در زمینه بعرض میرسد:

1 - حداقل تحصیل :

جای بسیار تعجب است که برای کاندید ریاست جمهوری و عضویت در شورای ملی کشور درجه تحصیل شرط نیست، درحالی‌که برطبق ماده چهاردهم قانون انتخابات برای شورای ولایتی و شورای ولسوالی حداقل سند فراغت از لیسه و در شورای قریه حداقل سواد خواندن و نوشتن، برای کاندیدشدن شاروال ها و مجالس شاروالی های مرکز ولایات حداقل تحصیلات لیسانس و در سائر شهرها داشتن بکلوریا شرط گذاشته شده است. همچنان به اساس ماده بیستم قانون انتخابات، فقره 3 در مورد انتخاب رئیس جمهور آمده است که: «در صورت تساوی آراء میان بیش از دو کاندیدی که بیشترین آراء را در دور اول بدست آورده اند، دو نفر کاندیدانی که عالیترین معیار ها را دارا باشند، به حیث کاندیدان دور دوم تعیین میگردند». بزعم این فقره عالیترین معیارها بالترتیب عبارت اند از :

1 - درجه تحصیل،

2 - درجه علمی،

3 - تجربه کاری در ادارات دولتی و غیر دولتی،

4 - داشتن نشان، مدال و لقب افتخاری.

علاوئاً فقره 4 این ماده حکم میکند که: «در دور دوم انتخابات (ریاست جمهوری) کاندیدی که اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته میشود. در صورت تساوی آراء میان کاندیدان در دور دوم، کاندید برنده بر اساس عالیترین معیار های مندرج فقره 3 این ماده به حیث رئیس جمهور شناخته میشود».

با این حال قابل سؤال است که چرا شرط حداقل تحصیل برای کاندید ریاست جمهوری و حتی شورای ملی در نظر گرفته نشده است؟ آیا واضعان قانون چنان پنداشته اند که گویا ضرورتی برای چنین شرط وجود ندارد و یک شخص بیسواد که بتواند بهر وسیله ممکن رأی لازم را بدست آورد، میتواند برای پنج سال زمام مطلق امور کشور را بدست گیرد؟ هیچ فکر نکرده اند که فرضاً اگر شخصی کم سواد و حتی بیسواد مثل عبدالرشید دوستم با کسب آراء لازم به این مسند تکیه کند، آنوقت سرنوشت کشور به چه ماجرا روبرو خواهد شد؟ همین اکنون اگر نظری به سطح دانش بسیاری از اعضای شورای ملی انداخته شود، واضح میگردد که اکثر از نعمت فهم متن قوانین بی نصیب اند، چه رسد به آنکه آنها خلاهای متن را درک کرده و پیشنهاد تعدیل و اصلاح آنرا نمایند.

جای تعجب آنست که حداقل درجه تحصیل به حیث اولین بند «عالیترین معیارها» برای کاندید شدن در رده های پایان اعضای انتخابی درقانون انتخابات در نظر گرفته شده ولی برای بالاترین مقام کشور که سرنوشت مردم و کشور بدست او رقم زده میشود، این شرط مهم و اساسی رعایت نگردیده است. برای یک رئیس جمهور کم سواد بسیار مشکل خواهد بود تا خطوط اساسی سیاست کشور را تثبیت نماید و آنرا برای پارلمان و دیگران با دلایل و برهان ارائه و از آن دفاع کند.

2 - سوابق کاری و گذشته ای شفاف:

مقصد از سوابق کاری تنها این نیست که کاندید مختصر سوانح خود را ارائه دارد، بلکه در سوابق کاری شخص کاندید باید بررسی همه جانبه و قبلی صورت گیرد که وی در امور محوله در گذشته چه خدماتی را انجام داده و در طول خدمت دارای چه اشتباهات و کمبودهای وظیفوی، اخلاقی، اداری، دسپلینی و آمریتی و غیره بوده و میلان او بسوی رشوه، خویش خوری، جدیت در کار و تطبیق قانون در کدام سطح قرار دارد. درکشورهای دیگر بررسی قبلی این مسائل در رابطه با کاندید ریاست جمهوری و بعضی مقام های مهم چنان از اهمیت بسزا برخوردار است که حتی حوادث و رویداد های ایام جوانی کاندید را مورد غور قرار میدهند، مثلاً کاندید در سنین جوانی مواد مخدر استعمال میکرده و یا اینکه کتابی را از کتابخانه دزدیده و غیره.

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

درست است که در افغانستان سنجش با چنین معیارها عملی نیست، اما انصراف کامل از گذشته ای کاندید نیز یک خطای بزرگ است، بخصوص یک‌عده از شخصیت های صاحب قدرت در گذشته های نه چندان دور مرتکب انواع جنایات گردیده اند که برای همه اظه‌رمن الشمس میباشند، ولی نظر به دلالتی این جنایات تا حال به محکمه رویت داده نشده و در اینصورت متهم قانوناً برئ الذمه شناخته میشود، درحالیکه جرم او نزد مردم مشهود است. هرگاه چنین شخصی به ریاست جمهوری خود را کاندید میکند، بررسی اعمال او در گذشته میتواند دلیل موجه برای سلب صلاحیت کاندید شدن او در آن مقام گردد.

در افغانستان تعدادی از کاندید های ریاست جمهوری و یا معاونین شان عملاً شریک در جنایات جنگی میباشند که متأسفانه بوسیله اعمال نفوذ در حکومت و پارلمان مورد بازپرسی رسمی قرار نگرفته و به وسیله یک مصوبه شورای ملی از تعقیب عدلی و قانونی معاف شناخته شده اند. شورای ملی افغانستان به مقصد عفو جنایتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشر این مصوبه را بتاريخ 20 حوت 1385 (10 مارچ 2007) تصویب کرد و رئیس جمهور پس از توشیح به آن موضوع «غیرقانونی»، حکم «قانون» داد. در ماده سوم این منشور خود ساخته بوسیله عده ای از ناقضان حقوق بشر در شورای ملی و آوردن فشار برای تنفیذ آن آمده است: «تمامی جناح های سیاسی و طرف های متخاصم، که قبل از ایجاد اداره مؤقت، به نحوی از انحا باهم درگیر بوده اند، به منظور آشتی بین اقتشار مختلف جامعه، تحکیم صلح و ثبات و آغاز زندگی نوین، در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان، مشمول برنامه مصالحه ملی و عفو عمومی بوده، از تمام حقوق قانونی خویش مستفید بوده، مورد تعقیب عدلی و قضائی قرار نمیگیرند».

در ارتباط با شرایط کاندید شدن به ریاست جمهوری اگر به ماده شصت و دوم قانون اساسی، فقره 3 آن دقت شود، آمده است که کاندید ریاست جمهوری «از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد». در اینجا دیده میشود که در اثر نفوذ زورمندان از ذکر «جنایت جنگی» عمداً طفره رفته و بجای آن تنها به ذکر کلمه «جنایت» اکتفا شده است، درحالیکه از «جرایم ضد بشری» در آنجا تذکر رفته است. اینکار نشانه بارز ترس ناقضان حقوق بشر و متهمان جنایات جنگی میباشد که راه را برای عروج دوامدار خود باز نگهدارند و خود را از تعقیب عدلی و قضائی در آینده در امان نگهدارند. هرگاه در ماده شصت و دوم موضوع بررسی سوابق کاری و شفافیت گذشته ای کاندید درج میگردد، کمیسیون مستقل انتخابات وظیفه میداشت تا قانوناً پیرامون این موضوع تحقیق نماید و بدانوسیله کسانی که از بررسی این موضوع در هراس بودند، جرأت کاندید شدن را نمی داشتند.

3 - شرح دارائی منقول و غیر منقول:

در افغانستان تعداد وافر کسانی اند که بخصوص طی دو سه دهه اخیر از قعر ناداری به اوج ثروت و غنا رسیده اند و امروز با این ثروت بادآورده میتوانند به هرکاری دست یازند. اکثر آنها ثروت خویش را به خارج انتقال داده اند و اما از بهره آن در افغانستان برای رسیدن به جاه و مقام استفاده میدارند. همین ها هستند که با مصرف میلیونها دالر به خرید آرای مردم در انتخابات می پردازند، درحالیکه خود را پاک و صادق جلوه میدهند، اما در واقع رسیدن به مقام را نه تنها برای کسب شهرت، بلکه به مقصد اندوختن بیشتر ثروت میخواهند. با آنکه ماده چهل و پنجم قانون انتخابات در فقره 2، بند 4 از کاندید حین ارائه درخواست در مورد «دارائی های منقول و غیر منقول» طالب معلومات میگردد، اما در صورتیکه اگر ثروت کاندید بالاتر از یک حد معین باشد، از او نمی پرسد که چگونه و در ظرف چه مدت به این همه ثروت دست یافته است؟

اگر چنین شرطی در قانون درج باشد، در آنصورت کاندید بر طبق اسناد معتبر قانوناً مکلف میباشد تا به این سؤال جواب دهد. چنانکه اگر یک وکیل در ولسی جرگه رسماً اعلام میدارد که دارائی او بالغ بر 250 میلیون دالر میرسد، او باید به روی اسناد ثابت کند که این همه ثروت را از راه مشروع بدست آورده است. این مکلفیت باید نه تنها برای کاندید ریاست جمهوری، بلکه برای همه کاندید های مقامات عالیة کشور اعم از انتخابی و یا غیر انتخابی به حیث یک اصل کلی درج قانون گردد. باین ترتیب اشخاصیکه در ارائه اسناد در این زمینه دچار مشکل میباشند و نمیخواهند خود را در دام قانون گرفتار کنند، هیچگاه حاضر نخواهند شد خود را برای همچو مقام ها کاندید نمایند. از این طریق میتوان با یک تیر دو هدف را نشانه گرفت: یکی زمینه سازی برای کاندید های مستحق و دیگر بیرون راندن صاحبان زر و زور که خواهان شهرت و قدرت اند از رقابت های انتخاباتی.

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

این بود شمه از پیشنهادات من در مورد شرایط موضوعه در ارتباط با کاندید شدن اشخاص برای مقام ریاست جمهوری و البته راجع به آوردن تغییرات در تقویم انتخابات نیز مطالبی در نظر است که بعداً به عرض خواهد رسید.
(پایان)

مآخذ و یاداشتها:

- 1 - به اساس ماده مذکور رئیس جمهور دارای صلاحیت ها و وظایف ذیل میباشد:
 - 1 - مراقبت از اجرای قانون اساسی؛ 2 - تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛ 3 - قیادت اعلای قوای مسلح افغانستان؛ 4 - اعلان حرب و متارکه به تائید شورای ملی؛ 5 - اتخاذ تصمیم لازم درحالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛ 6 - فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تائید شورای ملی؛ 7 - دائر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛ 8 - اعلان حالت اضطرار به تائید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛ 9 - افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛ 10 - قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛ 11 - تعیین وزرا، لوی څارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تائید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها؛ 12 - تعیین رئیس و اعضای ستره محمکه به تائید ولسی جرگه؛ 13 - تعیین ، تقاعد، قبول استعفا و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛ 14 - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین المللی؛ 15 - قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛ 16 - توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛ 17 - اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون؛ 18 - تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛ 19 - اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛ 20 - تأسیس کمسیونها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛ 21 - سایر صلاحیتها و وظایف مندرج این قانون اساسی.
 - 2- کاظم، سیدعبدالله: زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، کابل، نوامبر 2005، صفحه 536 - 544
 - 3 - در این مورد مطالب بسیار فراوان در رسانه ها به نشر رسیده است.
 - 4 - جلیل غنی: اجماع ملی اصطلاح جدید در سیاست، افغان جرمن آنلاین، مورخ 30 جون 2013
 - 5 - مصاحبه جلالی با شکیلا ابراهیم خیل، تلویزیون طلوع، کابل، مورخ 12 سنبله 1392
 - 6 - در لست ابتدائی نامزدان ریاست جمهوری اشخاص ذیل شامل میباشد: داکتر عبدالله عبدالله، رسول سیاف، قطب الدین هلال، جنرال عبدالرحیم وردک، داکتر اشرف غنی احمدزی، داکتر زلمی رسول، محمدنادر نعیم، قیوم کرزی، هدایت ارسلا، گل آغا شیرزی؛
- در لست حذف شدگان اشخاص ذیل درج میباشد: داکتر انور الحق احدی، داکتر عزیزالله لودین، داود سلطانزوی، سید اسحاق گیلانی، بسم الله شیر، فضل کریم نجیمی، حشمت غنی احمدزی، سرور احمدزی، حمیدالله قادری، سلمان علی دوستزاده، داکتر فاروق اعظم، خدیجه غزنوی، عبدالهادی دبیر، نوررحمن لیوال، داکتر داور نادی، و نادرشاه احمدزی.

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ